

## چرا پیامبر بمعراج رفت؟

- \* خرافات عجیب خاورشناسان در مسئله معراج .
- \* قرآن از روی این حقیقت پرده بر میدارد .
- \* معراج و عظمت خیره کننده کواکب آسمان .

متأسفانه جریان معراج پیامبر (ص) مانند بسیاری دیگر از جریانهای صحیح تاریخی آمیخته با خرافاتی شده است که قیافه اصلی آنرا در نظر کسانی که مطالعات کافی در این قسمتها ندارند ناپسند نشان داده است .

این خرافات زائیده افکار منحط و آلوده افرادی است که بر اثر بی بندوباری در نقل حقایق تاریخی و احادیث ، یا افزودن سلیقه های شخصی باین حقایق بسوی آن رانده شده اند ، هیچ بعید نیست دستهای ناپاکی نیز برای دیگر گون ساختن چهره حقیقی عقائد اسلامی ، و غیر علمی - نشان دادن آنها ، باین موضوع کمک کرده باشد .

از جمله این خرافات ، پاره ای مطالب است که درباره هدف معراج گفته میشود و چنین وانمود میگردد که منظور نهائی از این سفر شبانه و سیر فضائی باریافتن بدر بار خداوند و مشاهده او بر بالای کرسی مخصوصش بر فراز عرش بوده است !

عجیب اینست نوشته های خاورشناسان خیر اندیش و باصلاح دانشمند ! نیز از این خرافات خالی نیست ، حتی خرافاتی در لابلای عبارات آنها در این بحث دیده میشود که هیچ معلوم نیست از چه منبعی گرفته اند ؟

مثلا جان دیون پورت نویسنده کتاب «محمد و قرآن» در بحث معراج چنین

مینویسد :

«محمد پس از وارد شدن بآسمان اول ، جمعی از فرشتگان را بصورت های مختلفی مشاهده نمود . باین بیان که دسته ای از آنها بصورت انسان بودند ، و دسته دیگری بصورت پرندگان ، و سایرین بصورت حیوانات مختلف ، میان پرندگان خروس بی اندازه بزرگی را مشاهده نمود که پروبالش مانند برف سفید بود ! همه فرشتگان از زمین آمده بودند تا برای حیواناتی که اینجا زندگی میکنند شفاعت کنند !

بالاخره مسافرین وارد محلی شدند، که درخت طوی در آنجا بود و سرحد باغ لذاذند (بهشت) را نشان میداد، میوه‌های این درخت بقدری بزرگ بود که برای تغذیه همه موجودات در مدت طولانی کافی بود!

در اینجا به سدومانی برخوردند که برای هیچ مخلوق فناپذیری قابل عبور نبود، و اینجا نقطه ایست که آسمان را از «کرسی خدای متعال» جدا میکنند!...

بالاخره اجازه تقرب حضور یافت و تاجایی رفت که با اندازه دو کمان (۱) تا عرش خدا بیشتر فاصله نداشت! (۲)، (۳)

همانطور که ملاحظه میفرمائید این نویسنده غربی در این عبارات برای خداوند کرسی خاصی بر فراز آسمانها تعیین کرده، و پیامبر اسلام (ص) را تقریباً تا دومتري آن کرسی عجیب پیش برده است؟

اگر بعضی از نوشته‌های این نویسنده در این قسمت دوپهلو و قابل تفسیر باشد نوشته‌های نویسنده کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» کاملاً بی‌برده و روشن و غیر قابل تفسیر است. او مینویسد:

در آخرین آسمان، پیامبر بخداوند بقدری نزدیک شد که صدای قلم خداوند را میشنید! و میفهمید که خدا مشغول نگاهداری حساب افراد میباشد! ولی با اینکه صدای قلم خدا را میشنید او را نمیدید. زیرا هیچکس نمی‌تواند خداوند را ببیند ولو پیغمبر باشد...

هنگامیکه محمد از نزد خداوند مرخص شد که بزمین برگردد دوازده فرمان دریافت، همانگونه که موسی ده فرمان دریافت کرده بود و مأمور گردید که آنها را بمسلمانان ابلاغ کند (۳)

این نویسنده نیز برای خداوند محل امن و آمانی در گوشه‌ای از آسمانها در نظر گرفته است تا وظیفه بسیار سنگین خود (نوشتن اعمال بندگان) را در آن محل خاموش و آرام با خیال راحت انجام دهد!

(۱) گویا این مطلب را خواسته است از آیه ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی

استفاده کند در حالی که بعقیده محققین این آیه مربوط به ملاقات پیامبر با فرشته وحی (جبرئیل) میباشد و قرائن موجود در آیات سوره نجم نیز این معنی را تأیید میکند.

(۲) محمد و قرآن صفحه ۳۷ چاپ سوم.

(۳) «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» صفحه ۱۲۵

سپس پیامبر را تا بارگاہ او پیش برده بقدری که صدای قلم خداراشنیده ، اما متأسفانه خودش را نتوانسته است ببیند ( معلوم نیست خدائی که قلم دارد و دست و پا دارد چرا قابل مشاهده نبوده است ) سپس او را بادوازده فرمان از حضوروی مرخص نموده و بزمین آورده است !  
 نمیدانیم این خاورشناسان ، این نویسندگان ، این افراد باصلاح محقق و دانشمند ، این لاطائفات و خرافات را از کجا گرفته اند ، و چگونه بخود اجازه داده اند آنها را بعنوان تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص) و عقائد مسلمانان منعکس سازند .  
 آیا بقیده شما آنها در این کار «حسن نیت» داشته اند و میخواستند بتاریخ اسلام و مسلمین خدمت کنند ؟ !

کتابخانه عمری مکتب اسلام

\* \* \*

فصل - نایس ۱۲۴۳

### قرآن از روی این حقیقت پرده بر میدارد

در هر صورت بهترین سند زنده و دست نخورده برای درک هدف اصلی معراج پنجمبر (ص) و برای درک همه حقایق اسلامی همین قرآن مجید است .  
 ما میتوانیم هدف این سیرشبانہ را بخوبی از آیات قرآن استنباط کنیم ، هدفی که کاملاً با باموازین علمی و منطقی سازگار است .  
 با اینکه آیات اصلی مربوط بمعراج در قرآن به ده آیه نمیرسد ، در عین حال در دو آیه هدف معراج توضیح داده شده است .

در سوره اسراء آیه اول چنین میخوانیم : سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلامن المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکتنا حوله لئریه من آیاتنا : «منزه است خدائی که بنده خود را شبانه از مسجد الحرام به مسجد اقصی ، همان مسجدی که اطراف آن را پر برکت ساختیم ، برد تا آیات خویش را باونشان دهیم» .

در این آیه هدف این سیرشبانہ را مشاهده آثار عظمت و بزرگی خداوند در جهان آفرینش معرفی نموده و در آیه ۱۸ سوره «النجم» میفرماید : **لقد رای من آیات ربہ الکبریٰ** : «پیامبر در این سفر ، آیات بزرگ خدارا مشاهده نمود» .

از این دو آیه بخوبی برمیآید که هدف این سیر فضائی بار یافتن بیارگاہ سلطنت خداوند یا شنیدن صدای قلم او یا مشاهده دیدارش نبوده است .

اصولاً بقیده ما مسلمانان خداوند محل خاصی ندارد ، او در همه جا و در تمام جوانب عالم هست ، اینماتو لو اقم وجه الله : بهر سو رو کنید خدارا آنجا ست ، وهو معکم اینما

کنتم : هر کجا باشید خدا با شماست . خداوند بارگاہ و کرسی مخصوصی بر فراز آسمانها ندارد بلکه کرسی حکومت او سرتاسر جهان هستی است : **وسع کرسیه السموات والارض :** و کرسی او بوسعت آسمانها وزمین میباشد .

بنابر این منظور از معراج همان مشاهده آثار عظمت خدا در جهان بالا بوده است ، تا قلب نورانی پیامبر در پرتو مشاهده این آثار حیرت انگیز ، نورانی تر گردد ، و فکر و روح بلند او وسیعتر شود و برای رهبری و هدایت خلق بسوی خدا، آمادگی بیشتری پیدا کند .

\* \* \*

### معراج و عظمت خیره کننده کواکب آسمان

آنروز که این آیات نازل گردید و از این سفر عجیب پیامبر خبر داد هنوز عظمت آسمانها و کرات عظیم جهان بالا درست بر کسی روشن نبود ، معلومات آنروز غالب مردم در باره آسمانها محدود به همان بود که با چشم خود میدیدند : گنبدی نیلگون ، و نقطه‌هایی درخشان که مانند میخهایی از طلا و نقره در گرداگرد آن کوییده شده بودند ، و دو گوی کوچک و زیبا که یکی درخشنده تر و دیگری کم نورتر آنرا زینت میداد و منظره شاعرانه خاصی بآن بخشیده بود ، به چشم میخورد .

در آنروز آسمان با آنهمه عظمت و شگفتیها در چشم بعضی بقدری کوچک جلوه کرده بود که شاید در نظر آنها سفر پیامبر برای دیدن آن آثار مختصر بزحمش نمی ارزید . اما امروز ... امروز با پیشرفت دانشهای نجومی و فضائی و کشف وسائل جدید مطالعه ستارگان و کهکشانها و سحابیه‌ها و عالم دور دست اهمیت این سیر فضائی کاملاً آشکار میگردد و عظمت این تعبیر قرآن : **لقد رای من آیات ربه الکبری کمال روشن میشود !**

\* \* \*

بد نیست در اینجا به گوشه بسیار کوچکی از آنچه اکتشافات دانشمندان امروز در باره عظمت آسمانها میگوید بعنوان نمونه اشاره کنیم .  
علم امروز ب ما میگوید :

۱ - خانواده منظومه شمسی ما تا آنجا که میدانیم از یک مرکز (خورشید) و ۹ سیاره و ۳۹ قمر که بدور سیارات آن گردش میکنند تشکیل یافته ، با اینکه کره مسکونی ما جزء این خانواده است و بر اثر نزدیکی بسایر سیارات و اقمار این خانواده امکانات فراوانی برای مطالعه در باره آنها داریم ، ولی باز اطلاعات مادر باره سایر اعضای این خانواده بسیار ناچیز است . زیرا همین خانواده با اصطلاح کوچک و فقیر آسمانی بقدری بزرگ است که اگر فی المثل بخواهیم با همان وسائلی که اخیراً یک ایستگاه فرستنده را سال در ماه فرود آورد (و تقریباً سه

شبانه روز در راه بود) به دورترین عضو این خانواده (سیاره پلوتو) سری بز نیم وصله رحمی بجا آوریم ، فقط ۲۵۰ سال وقت لازم است که این سرکشی وصله رحم انجام پذیرد و تصدیق میکنید بزحمتش نمی ارزد ، مگر اینکه پیشرفت علم وسائل سریعتر و مجهزتری در اختیار ما بگذارد . در کرات منظومه شمسی مسلماً مناظر شگفت انگیز فراوانی است که شبی از آن در پشت تلسکوپهای عظیم امروز بچشم مایمیخورد ، کانالهای منظم و عجیب کره مریخ ، حلقه های زیبا و درخشان و خیال انگیز کره زحل ، قیافه مرموز کره زهره که همیشه در پشت ابرهای ضخیم و انبوهی پوشیده شده است همه از این مناظر مسحور کننده است .

با احتمال قوی لااقل در بعضی از این کرات موجودات زنده وجود دارد و حتی احتمال میدهند در پاره ای از آنها موجوداتی ، با تمدنی عالیترا و افکاری درخشانتر از مردم کره زمین وجود دارند که بر کم فکری و کودنی ما تأسف میخورند ؛ ولی متأسفانه هنوز اطلاعات دقیقی در این زمینه هادر دست نداریم !

حتی اطلاعات ما از همسایه دیوار بدیوارمان (کره مریخ و زهره) بسیار ناچیز و اسفند انگیز است .

۲ - خورشید آنطور که بنظر میرسد يك گوی درخشان نیست بلکه کره عظیمی است که يك میلیون و سیصد هزار مرتبه از زمین بزرگتر میباشد : درجه حرارت در سطح خورشید در حدود شش هزار درجه و در مرکز آن از يك میلیون درجه هم تجاوز میکند ، و با وجود همه اینها خورشید یکی از ستارگان کوچک یا متوسط عالم بالاست و کراتی در آسمان وجود دارد که هزاران مرتبه از خورشیدما بزرگتر و پرنورترند ، ولی چون از ما فوق العاده دورند بصورت يك ستاره معمولی (يك میخ درخشان) خود نمائی میکنند .

جالب توجه اینکه طبق تحقیقات اخیر دانشمندان از هر سیصد ستاره که در کهکشان ما وجود دارد يك ستاره با جرمی بزرگتر از دو برابر خورشید میباشد ، و با در نظر گرفتن اینکه مجموع اختران کهکشان ما را به سی هزار میلیون ستاره تخمین زده اند ثابت میشود تنها در همین کهکشان ما ۱۵۰ میلیون ستاره بزرگتر از خورشید وجود دارد ! (۱)

۳ - نکته دیگری از عظمت جهان بالا اینست که طبق تحقیقات دانشمندان فلکی امروز ثابت شده جهان با سرعت عجیبی در حال گسترش است ، مثلاً توده کهکشان «شجاع» در هر ثانیه ! شصت هزار کیلومتر ! از ما دور میشود ، یعنی تنها در نیم ساعت که شما مشغول مطالعه این مقالات هستید بیش از یکصد میلیون کیلومتر از ما فاصله گرفته است (۲)

در اینجا بار دیگر این تعبیر پر معنی قرآن را «لقد رای من آیات ربه الکبری : پیامبر آیات و نشانه های بزرگ خدا را در شب معراج دید» یاد آور شده و سلسله مقالات خود را در بحث معراج بهمین جا پایان میدهیم .